



«اعتدال» وجه مشترک مکاتب اخلاقی است/ باید توضیح داده شود که اعتدال در چه مکتب و زمینه ای مطرح است

استاد پردیس قم دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه مکاتب مختلف به دنبال عدالت هستند، گفت ولی به حسب معیارهایی که ارائه می دهند

در گفتگو با مهر طرح شد؛

171#اعتدال؛ وجه مشترک مکاتب اخلاقی است/ باید توضیح داده شود که اعتدال در چه مکتب و زمینه ای مطرح است استاد پردیس قم دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه مکاتب مختلف به دنبال عدالت هستند، گفت ولی به حسب معیارهایی که ارائه می دهند و گزاره اصلی و مادر که می پذیرند دیدگاه های مختلفی نسبت به اعتدال پیدا می کنند، لذا واژه اعتدال از مفاهیم رهنی است که باید کاملاً توضیح داده شود که در چه مکتب و دیدگاهی و زمینه ای مطرح است. دکتر محمد محمدرضایی، استاد پردیس قم دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد مفهوم اعتدال و نسبت آن با مفهوم فضیلت از دیدگاه ارسطو گفت: بحث اعتدال و حد وسط، یکی از قوانین طلایی فلسفه اخلاق ارسطو است. در نظام اخلاق فضیلت محور ارسطو، غایت همه چیز، 171#خیر؛ و خیر ناامیده می شود و از نظر او، میان غایات فرق وجود دارد، مثلاً در میان غایات، غایتی وجود دارد که ما آن را برای خودش و همه چیز را برای آن می خواهیم و آن غایة الغایات، خیر اعلی و خیر بهترین است که مورد اتفاق بیشتر مردم اعم از عوام الناس، نخبگان و تربیت یافتگان قرار گرفته است که ارسطو از آن به عنوان نیک بختی و سعادت تعبیر می کند.

وی با بیان اینکه ارسطو، نیک بختی را فضیلت می داند، اظهار داشت: فضیلت از نظر ارسطو، ملکه ای است که حد وسط را انتخاب می کند و می توان گفت خیر و نیک بختی و سعادت در رعایت حد وسط است. در واقع اعتدال از نظر ارسطو، حد وسط است. اما می دانید که این دیدگاه در خیلی از موارد شاید صادق نباشد. در بسیاری از موارد حد وسط درست است اما اشکالاتی هم دارد مثلاً یکی از اشکالات حد وسط این است که قانون اعتدال یا حد وسط ارسطو، عمومیت ندارد و خیلی از موارد و مسائل را نمی توان در برگیرد.

محمدرضایی در ادامه سخنانش با بیان اینکه مثلاً راستگویی، شجاعت، عدالت، علم، تقرب به خدا حد وسط ندارد، بیان کرد: علم حد وسط ندارد، یک طرف چهل و یک طرف علم نامتناهی است. چگونه می توان اعتدالی برای علم پیدا کرد؟ انسان چه اندازه عالم باشد، فضیلت است؟ حد وسط علم چیست؟ 171#رَبِّ زُذْنِی عَلَماً! خدایا! علم مرا زیاد کن؛ علم که حد وسط ندارد. یا مثلاً تقرب به خداوند، معرفت به خدا، محبت خداوند که حدی ندارد تا مثلاً بتوان گفت از مرزی، افراط و مرزی تفریط است تا بتوان حد وسطی را مشخص کرد. موارد دیگری در این بحث هم وجود دارد که در این مجال نمی گنجد.

استاد پردیس قم دانشگاه تهران در ادامه سخنانش تأکید کرد: بعضی وقتها اصلاً حد وسط برای برخی از افراد سعادت نیست. مثلاً حد وسط در برخی از موارد بد می شود مثلاً یک مجرم شجاع خطرناک تر و رذل تر از مجرم ترسو است. پس این طور نیست که انتخاب حد وسط در همه موارد یک فضیلت محسوب شود. در بعضی مواقع هم فضیلت ها ممکن است با هم ناسازگار باشند که در این موقع با بن بستی روبرو می شویم. ارسطو در این موارد راه حلی ارائه نکرده است.

این محقق و استاد دانشگاه اذعان کرد: نکته دیگر در این بحث این است که ارسطو، سعادت را مطلوب نهایی انسان می داند و منظور از سعادت، سعادت دنیوی است و در واقع تأکید ارسطو بر سعادت دنیوی است. بعضی مواقع حد وسط ممکن است مثل شجاعت به مرگ منتهی شود که چندان مطلوب دیدگاه ارسطو نیست یعنی در واقع با سعادت دنیوی چندان سازگار نیست و برخی از فضائل ممکن است ما را به سعادت دنیوی رهنمون نکنند و حتی ممکن است بعضی از رذائل سعادت انسان را تأمین کنند. مثلاً برخی حسادت ها ممکن است برخی را به رقابت با دوست خودش ترغیب کند و یا شاهکار هنری خلق کند که موجب سعادت او شود. این طور نیست که همه فضائل که در حد اعتدال باشد موجب سعادت و رستگاری انسان شود، لذا اشکالی که متوجه اعتدال از نظر ارسطو است یکی عدم کلیت قانون است. دوم عدم کارایی قانون اعتدال در کلیت اخلاقی است.

وی با اشاره به اینکه مسأله دیگر ناسازگاری قانون اعتدال با طبیعت است، بیان کرد: حد وسط به هیچ وجه با طبیعت سازگاری ندارد. مثلاً آتش به اعتدال نمی سوزاند. خورشید به اعتدال نمی درخشد تا آنجا که ممکن است آتش به کمال می سوزاند و خورشید هم به کمال می درخشد. پس در اینکه فضائل مطابقت با طبیعت داشته باشد باید در نهایت باشد، نه اینکه در حالت اعتدال باشد. به مبانی قانون اعتدال ارسطویی اشکالاتی وارد شده است که مبتنی بر نوعی دیدگاه خاصی طبیعت شناسی است که ارسطو انتخاب کرده است. هر اشکالی که به طبیعت شناسی ارسطو وارد کنیم، به تبع قانون اعتدال ارسطو اشکال و آسیب می بیند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه اجمالی در معنای اعتدال وجود دارد و در برخی از موارد نمی تواند شفاف باشد، گفت: مثلاً به کسی سفارش می کنیم که در کارهایت اعتدال پیشه کن. شاید به راحتی نتوان مشخص کرد که کار اعتدال گونه چیست؟، یعنی واژه اعتدال از

وی با اشاره به اینکه همه مکاتب دنبال اعتدال هستند، تصریح کرد: همان طور که می‌دانید خداوند در آیه ای از قرآن می‌فرماید: **وَأْمُرْ بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ**؛ من مأمور شدم عدالت را در میان شما برپا سازم. **وَالْإِحْسَانِ**؛ یعنی هدف از دین، عدالت است. یا اینکه در آیه دیگری می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**؛ عدالت ممکن است از نظر مفهوم، مفهوم زیبایی باشد و همه آنرا دوست داشته باشند، ولی مصادیقش آنچنان مورد اختلاف است که در واقع مکاتب مختلف اخلاقی را دامن می‌زند.

وی افزود: مکتبی مانند اسلام هدف از بعثت انبیاء(ع) را تحقق عدالت می‌داند و برای تحقق عدالت برنامه هایش را معرفی می‌کند. در نظام سودگرایانه جان استوارت میل هم تأکید شده عملی خوب است که سود ما را تأمین کند. بیشترین سود را برای بیشترین تعداد آدمی ایجاد کند. این عمل از نظر آنها فضیلت محسوب می‌شود یا مثلاً لذت‌گرایان معتقدند که عملی خوب است که بیشترین لذت را برای آدمی به ارمغان بیاورد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تأکید کرد: کانت در حوزه فلسفه اخلاق، عدالت را به گونه ای ترسیم می‌کند که همه انسانها این قانون بتوانند در مورد همه انسانها ساری و جاری باشد یا اینکه انسان به عنوان انسان مورد احترام قرار گیرد مثلاً یکی از فرمولهایی که برای اخلاقی بودن ذکر می‌کنند این است که چنان عمل بکن که گویی دستور عمل قانون عمومی برای همه انسانها باشد. اگر بتوانی قانونی را عام کنی که همه انسانها مشمول آن قانون شوند، عین عدالت است. یا اینکه چنان تلقی کن که انسانیت خواه در شخص خودت و خواه در شخص دیگران به عنوان یک غایت تلقی شود نه به عنوان یک صرف وسیله. لذا اگر انسان بهره‌کشی شود و مورد توجه قرار نگیرد به نظر او غیرعادلانه است لذا نباید از انسان به عنوان یک ابزار استفاده کنیم. لذا وعده کاذب دادن، فحشا و منکرات از انسان به عنوان یک وسیله استفاده می‌کنند و بنابراین اینها را غیراخلاقی می‌دانیم.

محمدرضایی با تأکید بر اینکه پس در مکاتب مختلف همه به دنبال عدالت هستند، اظهار داشت: ولی به حسب معیارهایی که ارائه می‌دهند و گزاره اصلی و مادر که می‌پذیرند دیدگاه‌های مختلفی نسبت به اعتدال پیدا می‌کنند، لذا واژه اعتدال از مفاهیم رهزنی است که باید کاملاً توضیح داده شود که در چه مکتب و دیدگاهی و زمینه ای مطرح است. بعضی مواقع که صحبت از اعتدال می‌کنیم منظور معقولیت یعنی عقلانی بودن است. گاهی وقتها منظور از اعتدال حد وسط و بین افراط و تفریط است که اشکالاتی بدان وارد است و نمی‌توان در همه موارد حد وسط را به کار گرفت.

وی افزود: در مکاتب فلسفی و اخلاقی مختلف، اعتدال به گونه‌های مختلفی معنا شده است لذا اگر کسی واژه اعتدال را به کار می‌برد باید زمینه و بستری که این اعتدال معنا می‌دهد را توضیح دهد، مصادیقش را دقیقاً مشخص کند، لذا واژه اعتدال اگرچه مفهومی روشنی دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**؛ و در آخر می‌فرماید: **يُعِظُكُمْ لَعَنَكُمْ**؛ تذکر و تنبیهِ شما امر، پند می‌دهد تا شما متذکر شوید. شما واژه عدالت را می‌دانستید اما با این وجود، یافتن مصادیق اعتدال خیلی مشکل است. مثلاً در حوزه سیاست، چه نظامی می‌تواند عادلانه باشد؟ در زندگی خانوادگی، کدام یک از روابط عادلانه است؟ ما معتقدیم آنچه خداوند به بشر دستور داده، می‌تواند نظام عادلانه‌ای باشد البته نظامهای مختلف برنامه‌های خاص خودشان را دارند.